

هنرهای تجسمی و معماری

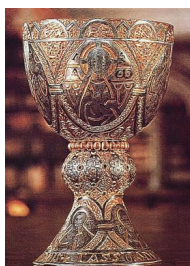
گنجینه های باستانی اتریش که طی حفاری های تاریخی انجام پذیرفته است، نقش مهم این کشور را به عنوان یک مهد فرهنگی در جهان ثابت می کند.

مهمترین کشفیات تاریخی «ونوس فن ویلن درف» از عصر دیرینه سنگی، اشکالی از حیوانات دوره «هالشتات»، مخروطه های رومی بر روی کوهی در ایالت «ماگدانلزبرگ»¹ در ایالت «کرنتن»، «کارنونتوم» در ایالت «نیدراسترایش»، «آگونتوم»² در تیروول شرقی و «لاوانت»³ در ایالت کرنتن که در آنجا یک کلیسای بسیار قدیمی وجود دارد، نیز یافت شده است.



یکی از عوامل مهم در توسعه فرهنگی این کشور دین مسیحیت بود که عوامل گسترش این فرهنگ دیرها و کلیساهای این کشور بودند.

از دوران اولیه مسیحیت شاهکارهایی همچون «جام تاسیلو»⁴ و نقاشی کتاب «اناجیل کوتپررخ»⁵ از قرن هشتم به جا مانده اند.



جام تاسیلو

رومانیک و یا رومانسک⁶

هنر رومانیک که بین سال های 1050 تا 1250 در این کشور متداول بوده تماماً ناشی از فرهنگ مسیحی است.

برجسته ترین آثار این سبک هنری در دیرها، صومعه ها و مقر اسقفی سالزبورگ، «پاساو» (در آلمان) و «بریکسن» (در ایتالیا) و همچنین دیرها و کلیساهای «بندیکت ها⁷»، «آگوستین ها⁸» و «تسیسترتسن ها⁹» در «ملک»، «گوت وایگ¹⁰»، «کلوستر نویبورگ¹¹»، «هایلیگن کرویتس¹²»، «تسوتل¹³»، «سکا¹⁴» و «گورک¹⁵» قابل رؤیت هستند.



گوت وایگ

بهترین آثار بازمانده از این سبک کلیسای «گورک» در کرنتن و «سکاو» در ایالت شتایرمارک است. بهترین مجسمه های بازمانده بر ورودی «گورک» و بر دروازه «شتفانزدم» در وین دیده می شوند.



گورک

از جمله هنرهای کوچک بازمانده می توان از جام «ویلتن»¹⁶، صندلی تاشو دیر «نونبرگ»¹⁷ در سالزبورگ و از محراب «وردون»¹⁸ که منسوب به نام سازنده هنرمندش، استاد «نیکلاس فن وردون» است، نام برد.

تذهیب و نقاشی کتب یکی از جمله آثار هنری آن زمان بوده که از آن جمله می توان از انجیل کبیر «آدمونت»¹⁹ و کتاب دعای «سانکت پتر» در سالزبورگ نام برد. مهمترین اثر نقاشی دیواری در کشور اتریش در کلیسای «گورک» از نیمه دوم قرن سیزده می باشد.

دروه سبک گوتیک

در عصر گوتیک بین قرون 13 تا 15 با پیدایش سبک زندگی نوین، سبک های هنری جدید نیز ظهور یافت.

این سبک برای اولین بار بین کشیشان تسیسترزین و کلیسای «سانلان»²⁰ رواج پیدا کرد. اولین هنرمندان این سبک از هنرمندان ایتالیایی تقلید می کرده اند، چنانکه این امر در کلیسای «فریزاخ»²¹، «رتس»²²، «ایمباخ»²³ و «کرمس» نیز مشهود است. در این بین تسیسترزین ها کلیساهای خود را همچون «هایلیگن کرویتس»، «لایلین فلد»²⁴ و «تسوتل» به سبک فرانسوی می ساخته اند. ویژگی آثار و کلیساهای باقیمانده گوتیک اتریشی ارتفاع یک اندازه تالارهای آنها است، این امر در کلیسای «شتفانزدم»، «سانکت آگوستین»²⁵ و «مینوریتن»²⁶ بسیار قابل توجه است.

به عنوان مهمترین اثر گوتیک اتریش می توان از قسمت نوساز «شتفانزدم» که در سال 1304 بنا گردید و از معماران این بنا «اولریش هلبینگ»²⁷، استاد «ونتسلا»²⁸ «هانس» و «پتر فن پراخاتیتس»²⁹، استاد «آنتون پلیگرام»³⁰ و «هانس پوخس باوم»³¹ یاد کرد.

زیباترین مجسمه های بازمانده از آن دوره که برخلاف مجسمه های رومانیک در هوای آزاد قرار دارند، می توان از مریم در کلوسترنو بیورگ، مریم و خدمه ها در شتفانزدم و مریم در «کروما»³² که امروزه در جمهوری چک واقع است، نام برد. از دیگر هنرهای آن زمان باید از محراب های تاشو و لولایی همچون محراب «سانکت ولفگانگ»³³ که هنر استاد «میشائل پاخر»³⁴ است، یاد کرد. معروفترین خانه های معمولی باز مانده از این سبک «گرن مسر هاوس»³⁵ در «بروک آندر مور»³⁶، «بومرل هاوس»³⁷ در «شتایر»³⁸ و «گلدنس داخل»³⁹ - سقف طلایی در اینسبروک هستند.

گرن مسر هاوس



عصر رنسانس

آغاز امپراطوری ماکسیمیلیان اول (1519-1493) با آغاز دوره رنسانس در مناطق شمال آلپ بسیار مربوط است. این امپراطور، صاحب نظران و هنرمندان را به دربار دعوت می نمود و بدینسان هنر را رواج می داد.

در آغاز دوره رنسانس اتریش در زمینه نقاشی پیشگام بود. از هنرمندان نامی اتریشی «مکتب دانوپ» می توان از «رولاند فروآف»⁴⁰، «ماکس رایشلیش»⁴¹، «ولف هوبر»⁴²، «لوکاس کراناخ»⁴³ و «رگنزیبورگر آلبرشت»⁴⁴ و «ارهادت آلت دورفر»⁴⁵ یاد کرد. ویژگی مهم این مکتب، نقاشی طبیعت در آثار مذهبی بود. با ظهور پروتستانتیسم از ارزش هنر نقاشی نیز در اتریش کاسته شد و این امر موجب شد که امپراطور و کلیسای کاتولیک هنرمندان جنوبی را به مناطق خود دعوت نموده که مهمترین آثار برجای مانده از این زمان کلیسا و کاخ سالزبورگ و مقبره «فردیناند دوم» در گراتس است.

عصر باروک



یوهان برنیهارد فیشر فن اراخ

دوره باروک را دوره شکوفایی هنر اتریش می دانند. پس از اینکه وین از خطر هجوم ترک ها در ثلث سوم قرن هفده رهایی یافت، ساختمان سازی در این شهر بسیار رونق گرفت. بزرگترین معمار این دوره «یوهان برنیهارد فیشر فن اراخ»⁴⁶ بود که عوامل بیگانه گوناگونی همچون عناصر سبک ایرانی و به ویژه ایتالیائی را در یک قالب هنری اتریشی درآورده است.

از جمله آثار او کلیسایی در سالزبورگ به نام کلیسای «کولگین»⁴⁷، کاخ «تراوتسون»⁴⁸ و کاخ زمستانی «پرنس اویگن فن ساوین» در وین (که امروز وزارتخانه دارایی است)، کتابخانه دربار

که امروزه کتابخانه ملی نامیده می شود
و کلیسای کارل را می توان نام برد.

دومین هنرمند بزرگ این زمان
«لوکاس فن هیلد برانت» بوده که کاخ
بلودر- قصر تابستانی «پرنس اویگن
فن ساوین»-، کاخ
«شوارتznبرگ»⁴⁹، کلیسای «پتر»،
کلیسای «پیاریست ها»⁵⁰، دیر «گوت
وایگ» در «نیدراسترایش» و کاخ
«میرابل»⁵¹ در سالزبورگ از
شاهکارهای او می باشند.



لوکاس فن هیلد برانت

سومین معمار بزرگ این دوره «یاکوب
پراندتاور»⁵² بوده که از سازنده شهر سانکت
پولتن و دیر «ملک» است. ایده های او بعدها
توسط خواهر زاده اش «یوزف مونگن
آست»⁵³ دنبال و تحقق یافت.

از مهمترین مجسمه سازان این دوره می
توان از «گئورگ رافائل دنر»⁵⁴ که اثر
معروفش چشمه ای و فواره ای در «نویر
مارکت»⁵⁵ وین است، نام برد. از دیگر
مجسمه سازان این دوره «بالتا زار
پرموزر»⁵⁶ بوده است. «فیشرفن اراخ»
بخصوص به کارهای «میشائل روتمیر»⁵⁷ و
«دانیل گران»⁵⁸ علاقه داشته است.

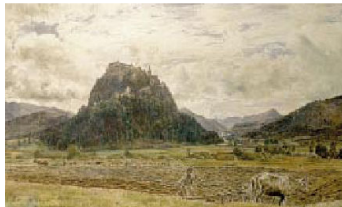
در این دوره نقاشی نیز رونقی بسیار یافت. «فرانتس
آنتون ماولبرچ»⁵⁹ در آثار خود تسلط بر رنگ و نور
را نمایان می کند و در کنار او هنرمندانی همچون
«پائل تروگر»⁶⁰ و «مارتین یوهان شمیت»⁶¹
معروف به «شمیت از کرمس» نیز هنرنمایی می

کرده اند. در دوران سلطنت «ماریا تریزیا» در اتریش سبک «ترزیایی» بوجود آمد که این سبک در حقیقت جواب اتریشیان به سبک «رکوکو»⁶² جنوب آلمان و فرانسه بود.

کلاسیسیم⁶³ و دوران «بیدرمایر»⁶⁴

سبک کلاسیسیم در قرن 18 و آغاز قرن 19 رواج داشته است. نمونه هایی از این سبک دانشگاه تکنیک، «شوتن شتیفت»⁶⁵ و اداره سکه ها می باشند. از جمله هنرمندان این دوره می توان از «فرانتس آنتون تساونر»⁶⁶ و «پترکرافت»⁶⁷ نام برد.

مدت زمان بین کنگره وین (1814-15) و سال انقلاب (1848) به دوره «پیش از مارس»⁶⁸ و هنرش به «بیدرمایر» معروف است. در این دوره قوانین شدید سانسور که توسط «مترینیش» برقرار گردیده بودند، باعث دوری از زندگی اجتماعی شدند که این امر خود موجب باروری هنر گردید. نقاشان نامی آن زمان «فردیناند گنورگ والدمولر»⁶⁹، «فریدریش گاورمان»⁷⁰، «فریدریش فن امرلینگ»⁷¹، «فرانتس ایبل»⁷² و «رودلف فن آلت»⁷³ بوده اند.



رودلف فن آلت
هوخ استرویتس

عصر بنیانگذاری⁷⁴

این دوره که نیمه دوم قرن 19 میلادی است، عصر رشد اقتصادی وین محسوب می شود و با خود نوآوری های بسیاری را همراه آورده است. تا آنجا که دیوارهای قدیمی شهر تخریب و به ازاء آن ساختمان های جدیدی توسط معماران داخلی و خارجی در امتداد خیابان رینگ ساخته شدند. قابل ذکر است که ساختمان های این خیابان به سبک گوناگون اروپایی ساخته شده اند.

«هاینریش فن فرستل⁷⁵» کلیسای «وتیو⁷⁶»، «تیوفیل هانسن» پارلمان اتریش، «فریدریش فن شمیت⁷⁷» شهرداری وین، «ادوارد وان در نول⁷⁸» و «آگوست سیکارد فن سیکاردبورگ⁷⁹» اپرا، «گوتفرید سمپر⁸⁰» و «کارل فن هازن آور⁸¹» «بورگ تئاتر⁸²»- تئاتر شهر وین- را ساخته اند.

از جمله نقاشان بنام آن دوره بایداز «هانس ماکارت⁸³»، «پتن کوفن⁸⁴» و «آنتون روماکو⁸⁵» که در آثارش تا حدی سبک اکپرسیونیسم محسوس است، را نام برد.



پارلمان اتریش

یوگندستیل⁸⁶ - سبک جوانان

در سال 1897 تعدادی از هنرمندان از «کونستلر هاوس⁸⁷» - «خانه هنرمندان» - فاصله گرفتند و «وینر ستسزیون» را ایجاد کردند. هنرمندان یوگندستیل همچون «گوستاو کلیمت⁸⁸» و «اتو واگنر⁸⁹» که خود از هیستوریسم دیرینه منشاء گرفته بودند پیشگامان سبک مدرن اتریش محسوب می شوند.



وینر ستسزیون

آثار بعدی از «کلیمت» به اکسپرسیونیسم منجر شد و ساختمان های «اتو واگنر» همچون «پست شپار کاسه⁹⁰» و کلیسای «شتاین هوف⁹¹» با طرح داخلی از «یوزف ام. البریش⁹²» و «یوزف هوفمان⁹³» نمایانگر سبک «فونکسیونالیسم نو⁹⁴» است.

نقاشی مدرن

امروز نقاشی مدرن اتریش یکی از مهمترین جریان های هنری نوین جهان است. «ستسزیون وین» نقطه گردش بین سبک «هیستوریسم» و سبک مدرن محسوب می شود. اهمیت این جریان هنری ناشی از گرایش است که معماری، نقاشی و دیگر هنرها را بصورت یک شاهکار در می آورد و با یکدیگر تلفیق می کند. شخصیت های شاخص این سبک هنری «گوستاو کلیمت»، «کولو موزر⁹⁵»، «اتو واگنر»، «یوزف هوفمان» و «یوزف ماریا البریش» بوده اند.



اثر گوستاو کلیمت

مکتب اکسپرسیونیسم اتریش که آکنده از ویژگی‌های روانشناسی و رنگ آمیزی خاص است از سال 1905 توسعه یافت. در این زمینه افرادی همچون «آگون شیله»⁹⁶، «اسکار کووشکا»⁹⁷ و «ریشارد گرتسل»⁹⁸ نقش مهمی ایفا کرده اند.



آگون شیله

هنر نقاشی بین دو جنگ جهانی دارای ابعاد گوناگونی بود. در این دوره می‌توان شاهد «ایسم»های بین‌المللی گوناگونی بود که در اتریش نیز تعبیرهای گوناگونی یافتند.

آثار مکتب نقاشی اکسپرسیونیسم با اشکال مختلف با هنرمندانی همچون «هربرت بوکل»⁹⁹، «آنتون کلیگ»¹⁰⁰، «فرانس ویگله»¹⁰¹ و یا «آلبین اگریلینتس»¹⁰²، مکتب رالیسم با هنرمندانی همچون «رودلف واکر»¹⁰³ و یا «سرگیوس پاوزر»¹⁰⁴، «فتوریسم»، مکتب کوبیسم و «آبستراکسیون» در پیرامون هنرمندانی همچون «فرانتس تسینسک»¹⁰⁵، «روخووانسکی»¹⁰⁶، «آلفرد ویکن بورگ»¹⁰⁷، «کری هاوزر»¹⁰⁸ و مکتب «چزانه رسپسیون»¹⁰⁹ با هنرمندانی همچون «گرهارد فرانکل»¹¹⁰، «آنتون فایستاور»¹¹¹ و یا «گئورگ موکل»¹¹² در این کشور به ظهور پیوست.

از نکات جالب در کشور اتریش وجود «شاعران نقاش» همچون «آلفرد کوپین»¹¹³، «آلبرت پاریس گوتزلوه»¹¹⁴ و «فریتس هرتسمانوسکی-اورلاندو»¹¹⁵ است که آثار آنان گرایش‌های سورال دارند.

تداوم هنر قرن 19، مکتب امپرسیونیسم دیرینه، سبک هنری اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 چون آثار «فردیناند آندری¹¹⁶»، «لئوپولد بلاوشتاینر¹¹⁷» و «رودلف هرمان ایزمنگر¹¹⁸» سرچشمه هنر زمان رایش سوم بودند.

از مهمترین گروه های هنری پس از سال 1945 گروه «آرت کلاب¹¹⁹»-کلوپ هنر- بود که در سال 1947 به عنوان گروهی از هنرمندان سبک آبستراکسیون و سورالیسم فعالیت خود را آغاز کرد. پیرامون مکتب «آلبرت پاریس گوتزلوه» مکتبی تحت عنوان «رالیسم فانتاستیک وینی¹²⁰» که از لحاظ هنری بین دو مکتب «مانیریسیم¹²¹» و سورالیسم است، پدید آمد. مهمترین نمایندگان این گروه «رودلف هاوژنر»، «ارنست فوکس»، «آنتون لمون¹²²»، «آریک براور¹²³» و «ولفگانگ هوتتر¹²⁴» بودند.

«فریدریش هوندرت واسر¹²⁵» در این میان با اختلاط عناصر تزئینی مکاتب آبستراکت و سورال جایگاه ویژه ای بدست آورد.

هنرمندان «آکسیونیسیم وینی¹²⁶» مکرراً باعث انزجار مردم می شدند. استفاده از بدن خود در برنامه های «اتو مول¹²⁷»، «گونتر بروس¹²⁸» و یا «رودلف شواتزکوگلر¹²⁹» و یا پاره کردن شکم حیوانات توسط «هرمان نیچ¹³⁰» جنجال های بسیاری در جامعه آفرید.

هوندرت واسر



آدلف فرونر¹³¹» به نقاشی بدن زنان می پرداخت. «آترسه¹³²» در نقاشی از رنگ های تند استفاده کرده و در عملیات های هنری خود از هنر «پاپ» الهام گرفته است. «پتر وایبل¹³³» و «والی اکسپورت¹³⁴» با رسانه های بصری جدید آثار خود را ارائه می نمودند. برگزیدگان نهضت بین المللی «سرکشان جوان¹³⁵» در اتریش «سیگفرید آنتسینگر¹³⁶»، «هوبرت شمالیکس¹³⁷» و «آلوئیس موزباخر¹³⁸» بوده اند.

مجسمه سازی

هنر مجسمه سازی در اتریش پیش از سال 1938 متأثر از سه حرکت هنری بود که این نفوذ تا حدی ناشی از سبک «زمان پایان قرن» بوده که در کارهای «فرانتس ماردیک¹³⁹» و «میشائل پولنی¹⁴⁰» به چشم می خورد و خود تا حدی نیز ناشی از اکپرسیونیسم منومنتال است که مهمترین نماینده آن «آنتون هاناک¹⁴¹» می باشد. از طرف دیگر گرایش آبسترکت نیز از دهه دوم در کارهای «آلبرت بشتولد¹⁴²» و مکتب «اگون شتاین هوف¹⁴³» مشاهده می شود.

در سال 1945 «فریتس وتروبا¹⁴⁴» از تبعید در سوئیس به وطن بازگشت و یکی از بزرگترین هنرمندان اتریش شد. او هنرمندان بسیاری را همچون «یوانیس آورامیدیس¹⁴⁵»، «واندر برتونی¹⁴⁶»، «آتو ادر¹⁴⁷»، «رودلف هوف لندر¹⁴⁸»، «آلفرد هدریچکا¹⁴⁹»، «هاینتس لاین فلنر¹⁵⁰»، «یوزف پیل هوفر¹⁵¹» و «آندارس اورتیل¹⁵²» در مکتب خود پرورش داده است.

از دهه 60 بسیاری از هنرمندان گرایش‌های معاصر را با سبک مدرن کلاسیک توأم ساختند. در این میان می‌توان از هنرمندانی چون «والتر پیشلر¹⁵³» و «برونو گیرونکلی¹⁵⁴» که خالق آثاری است که به ماشین‌های عظیم و غیرمتحرک شباهت دارند، نام برد.

شخص «گیرونکلی» امروزه خود از جمله استادان و مشوقان هنرجویان و هنرمندان نسل جوان بشمار می‌آید. همچون در نقاشی، سبک کلاسیک در مجسمه‌سازی نیز روز به روز توسط هنرمندان از صحنه هنر معاصر کنار می‌رود.

معماری

قرن 20 با نام سه معمار توانای اتریشی آغاز می‌شود: «اتوواگنر»، «یوزف هوفمن» و «آدولف لوس¹⁵⁵». واگنر خالق مهمترین آثار «سبک جوانان» بود. او برای تمامی معماران نسل بعد از خود یک استاد الهام بخش بود.



یک ایستگاه اثر واگنر

«هوفمان» یکی از بنیانگذاران «وینر ورک شنته¹⁵⁶»- کارگاه وین- و معمار «قصر سنکلت¹⁵⁷» در بروکسل بوده است. «آدولف لوس» به عنوان یک مبارز خستگی‌ناپذیر بر ضد تزئینات به آوازه جهانی دست یافت. او همچنین مخترع «طرح فضا» و معمار «لوس هوس» -خانه لوس- بود.

لوس هوس



در زمان میان دو جنگ جهانی مجتمع های مسکونی عظیمی در وین ساخته می شد که در این میان می توان از «مجتمع کارل مارکس» توسط «کارل اهن¹⁵⁸» نام برد. این مجموعه سمبل درخواست مردم در «وین سرخ¹⁵⁹» در برابر دولت است. «کلمنس هولتز مایستر¹⁶⁰» معمار «فست شپیل هاوس» در شهر سالزبورگ و همچنین منطقه دولتی شهر آنکارا در کارهایش گرایش خود را بر مکتب اکپرسیونیسم و فرهنگ اتریش نشان می دهد. «ارنست پلپشکه¹⁶¹» با اثر خود، «اداره کار» منطقه «لیزینگ¹⁶²» در وین، از خود شاهکاری بجا گذاشته است.

هنرمندانی همچون «یوزف فرانک¹⁶³» و «اسکار شترناد¹⁶⁴» نقش موثری در هنر معماری ویلایی اتریش ایفا می کرده اند. در دوره رایش سوم معماران بسیاری مجبور به ترک اتریش شدند. پس از این عصر در دهه های پنجاه و شصت احتمالاً بزرگترین معمار اتریشی، «رولاند راینر»، استادیوم های بسیاری ساخت که از آن میان می توان از «شتات هاله¹⁶⁵» در وین و استادیوم های «برمن» و «لودویگزهافن» که هر دو در آلمان قرار دارند، نام برد. «کارل شوانتسر¹⁶⁶» در جهانی نمودن نام اتریش در عرصه بین الملل گام های بسیاری برداشته است. دو اثر مشهور او غرفه اتریش در نمایشگاه جهانی بروکسل در سال 1958 و دیگری سفارتخانه اتریش در برزیل هستند.

«آر بیتزگروپه 1674» - گروه کاری 4- که از «ویلهم هلنس باور¹⁶⁸»، «فریدریش کورنت¹⁶⁹» و «یوهانس شپالت¹⁷⁰» متشکل بود، با ساخت کلیساها و اماکن اجتماعی جنجال بسیاری برانگیختند. «گوستاو پیشل¹⁷¹» با طراحی استودیو های ایالتی شرکت صدا و سیمای اتریش آوازه جهانی کسب کرد.



استودیو های ایالتی شرکت صدا و سیمای اتریش در شتایرمارک

«ویلهم هلنس باور» طرح شهرداری و اپرای آمستردام را کشیده و دیگر بناهایی همچون شهرداری «برگنتز» و یا مترو وین، دانشگاه سالزبورگ و خانه ای.بی.ام در وین را ساخته است.

«هانس هولین¹⁷²» که برنده جایزه «پرتیزکر¹⁷³» است، آثار بسیار در سراسر دنیا دارد که از آن جمله می توان از تزئین داخلی موزه شیشه و سرامیک تهران نام برد. همچنین او با ساختن «هاس هاوس» در مقابل کلیسای قدیمی وین از خود شاهکاری به سبک «پست مدرن¹⁷⁴» برجای گذاشته است.



هاس هاوس

«اتوکار اوول¹⁷⁵» سعی می کند که سلیقه آیندگان را در بنا بکار ببرد تا اینکه آنان نیز در ساخت ساختمان سهیم باشند.

از جمله گروه های معمار می توان از گروه «هیمل بلاو¹⁷⁶» متشکل از «ولف» و «دپریکس¹⁷⁷» و «هلموت تسویچینسکی¹⁷⁸» و از گروه «هاوس-روکر¹⁷⁹» متشکل از «لاریدس ارتتر¹⁸⁰»، «گونتر تسامپ¹⁸¹» و «کلاوس پرینتر¹⁸²» یاد کرد. «هرمان چک¹⁸³» از سبک وینی سابق و هنرمندانی چون «لوس» و «فرانک» پیروی می کرد.

در منطقه «بریتن فورت¹⁸⁴»، «هلموت ویشتر¹⁸⁵» یک نمای شیشه ای مدرن را با عناصر فردی آمیخته است. «آدولف کریشانتر¹⁸⁶» «کونست هاله¹⁸⁷»-سرای هنر-وین را از پولاد با رنگ های چشمگیر ساخته است.

-
- Magdalensberg¹
 Auguntum²
 Lavant³
 Tassilo-Kelch⁴
 Cutperch-Evangeliar⁵
 این دوره در زبان انگلیسی Romanesque خوانده می شود⁶
 Benediktiner⁷
 Augustiner⁸
 Zisterzienser: رئیس این گروه به عنوان یک اصلاحگر در سال 1098 از بندیکتین ها جدا شد.⁹
 Göttweig¹⁰
 Klosterneuburg¹¹
 Heiligenkreuz¹²
 Zwettl¹³
 Sekau¹⁴
 Gurk¹⁵

Wilten	16
Nonnberg	17
Verdun	18
Admont	19
این کلیسا که از طریق اعانات اعطائی امرار معاش می کرده است، در آلمانی Bettelorden و در انگلیسی Mendicantorden خوانده می شود.	20
Friesach	21
Retz	22
Imbach	23
Lilienfeld	24
St. Augustin	25
Minorittenkirche	26
Ulrich Helbling	27
Wenzla	28
von Prachatitz	29
Anton Pilgram	30
Hans Puchsbaum	31
Krumau	32
St. Wolfgang	33
Michael Pacher	34
Kornmesserhaus	35
Bruck an der Mur	36
Bummerlhaus	37
Steyr	38
Goldenes Dachl	39
Roland Frueauf	40
Max Reichlich	41
Wolf Huber	42
Lukas Cranach	43
Regensburger Albrecht	44
Erhart Altdorfer	45
Johann Bernhard Fischer von Erlach	46
Kollegienkirche	47
Palais Trautson	48
Schwarzenberg	49
Piaristenkirche	50

Mirabell	51
Jackob Prandtauer	52
Joseph Mungrenast	53
Georg Raffael Donner	54
Neuer Markt	55
Balthasar Permoser	56
Michael Rottmayr	57
Daniel Gran	58
Franz Anton Maulbertsch	59
Paul Troger	60
Martin Johann Schmidt	61
Rokoko	62
Klassizismus	63
Biedermeier	64
Schottenstift	65
Franz Anton Zauner	66
Peter Krafft	67
Vormärz	68
Ferdinand Georg Waldmüller	69
Friedrich Gauermann	70
Friedrich von Amerling	71
Franz Eybl	72
Rudolf von Alt	73
Gründerzeit: این عصر در انگلیسی Age of Commercial Growth نامیده می شود.	74
Heinrich von Ferstel	75
Votiv	76
Friedrich von Schmidt	77
Eduard van der Nüll	78
August Sicard von Sicardsberg	79
Gottfried Semper	80
Carl von Hasenauer	81
Burgtheater	82
Hans Makart	83
August von Pettenkofen	84
Anton Romako	85
Jugendstil	86

Künstlerhaus	87
Gustav Klimt	88
Otto Wagner	89
Postsparkasse	90
Steinhof	91
Josef Maria Olbrich	92
Josef Hoffmann	93
New Functionalism	94
Kolo Moser	95
Egon Schiele	96
Oskar Kokoschka	97
Richard Gerstel	98
Herbert Boeckel	99
Anton Kolig	100
Franz Wiegler	101
Albin Egger-Lienz	102
Rudolf Wacker	103
Sergius Pauser	104
Franz Cizek	105
Rochwansky	106
Alfred Wickenburg	107
Carry Hauser	108
Cezanne Rezeption	109
Gerhart Frankl	110
Anton Faistauer	111
Georg Merkel	112
Alfred Kubin	113
Albert Paris Gütersloh	114
Fritz Herzmanowsky-Orlando	115
Ferdinand Andri	116
Leopold Blausteiner	117
Rudolf Hermann Eisenmenger	118
Art Club	119
Wiener Fantastischer Realismus	120
Manierismus	121
Anton Lehmden	122

Arik Brauer	123
Wolfgang Hutter	124
Friedsreich Hundertwasser	125
Aktionismus	126
Otto Mühl	127
Günther Brus	128
Rudolf Schwarzkogler	129
Hermann Nitsch	130
Adolf Frohner	131
Christian Ludwig Attersee	132
Peter Weibl	133
Valie Export	134
Jungen Wilden	135
Siegfried Anzinger	136
Hubert Schmalix	137
Alois Mosbacher	138
Franz Barwig	139
Michael Powlony	140
Anton Hanak	141
Albert Bechtold	142
Egon Steinhof	143
Anton Wotruba	144
Joannis Avramidis	145
Wander Bertoni	146
Otto Eder	147
Rudolf Hoflehner	148
Alfred Hrdlicka	149
Heinz Leinfelner	150
Josef Pillhofer	151
Andreas Urteil	152
Walter Pichler	153
Bruno Gironcoli	154
Adolf Loos	155
Wiener Werkstätte	156
Palais Stoclet	157
Karl Ehn	158

رنگ سرخ، رنگ حزب سوسیال دمکرات است.	159
Clemens Holzmeister	160
Ernst Plischke	161
Liesing	162
Josef Frank	163
Oskar Strand	164
Wiener Stadthalle	165
Karl Schwanzer	166
Arbeitsgruppe4	167
Wilhelm Holzbauer	168
Friedrich Kurnet	169
Johannes Spalt	170
Gustav Peichl	171
Hans Hollein	172
Pritzker Preis	173
Postmodern	174
Ottokar Uhl	175
Coop Himmelblau	176
Wolf D. Prix	177
Helmut Swiezinsky	178
Haus-Rucker	179
Laurids Ortner	180
Günther Zamp	181
Klaus Printer	182
Hermann Czech	183
Breitenfurt	184
Helmut Richter	185
Adolf Krischanitz	186
Kunsthalle	187